

## سخن هفته: وضاحت خطوط روشن و اساسی در مورد "استقلال" افغانستان

دولت افغانستان صدمین سال به رسمیت شناخته شدن "استقلال" افغانستان را توسط انگلیس با تدابیر ویژه تجلیل نموده است. این مراسم بحث‌ها و سروصداهای زیادی را در میان مخالفان و موافقان دامن زده است. بدین جهت در مورد "استقلال" نکات ذیل قابل یادآوری است:

**یکم:** - "استقلال" به معنای «اداره کشور با اختیار و آزادی بدون مداخله کشورهای بیگانه و ضد وابستگی» آمده است که اشغال‌گران و استعمارگران اجازه نداشته باشند که در بخش‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی یک سرزمین نفوذ داشته باشند. با در نظر داشت این نکته، نظم سیاسی در افغانستان پس از کنفرانس بُن بالای مردم جبراً تحمیل گردیده و این نظم هیچ تفاوتی با رژیم‌های دست‌نشانده انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی ندارد که مردم مجاهد افغانستان در گذشته علیه آنان قدا علم کرده بودند.

**دوم:** - نظام سیاسی افغانستان بر اساس مفکوره‌های غربی بنا شده و بسیار شکننده و بی‌ثبات است. بخش اعظم ماده‌های قانون اساسی آن در تقابل صریح با احکام دین مبین اسلام قرار دارد. حکومت فعلی نیز بر اساس میانجی‌گیری وزیر خارجه پیشین امریکا جان‌کری به میان آمده است.

**سوم:** - نیروهای امنیتی افغان وابسته به امریکا است. مصارف آن از کمک‌های امریکا تمویل می‌شود. تعداد، نوعیت تعلیمات نظامی، چگونگی عملیات‌ها و ساحات مورد فعالیت آنان از سوی امریکا مشخص می‌شود. اگر پول امریکا نباشد، حتی موترهای آنان بدون حرکت می‌ماند. حریم هوایی افغانستان در کنترل امریکایی‌ها است و دولت از نوعیت پروازهای طیارات امریکایی و زمان آن آگاهی درست ندارد.

**چهارم:** - زمام جنگ و صلح در افغانستان به دست امریکایی‌ها است و مطابق به آجندای انتخاباتی و استراتژی‌های منطقی‌شان گاهی شعار صلح سر می‌دهند و زمانی طبل جنگ می‌نوازند. گاهی گروه‌ها را دشمن خطاب کرده و علیه آنان اقدامات نظامی انجام می‌دهند؛ ولی در زمانی دیگر با آنان به میز گفت‌وگو و مذاکره می‌نشینند.

**پنجم:** - نفوذ مفکوره‌های بیگانه مانند دموکراسی، حقوق بشر و قوانین مدنی در همه عرصه‌ها از نظام سیاسی تا نظام اقتصادی، از شیوه دولت‌داری تا محتوای تعلیمی و تحصیلی و از قوانین تا نظام قضایی در حال عمیق‌تر

شدن است. تحت عناوین "افراط‌گرایی و عدم متناسب بودن با زمان فعلی" مفکوره‌های اسلامی را از محتوای نظام تعلیمی و تحصیلی و قضایی حذف نموده‌اند و مفکوره‌های غربی را داخل ساخته‌اند.

**ششم:** - نفوذ اشغال‌گران غربی بالای قشر سیاسی حاکم و رهبران و متنفذین نزدیک به دولت بسیار قوی است. آنان بدون حمایت مالی، امنیتی و تخنیکی امریکا یک روز هم در افغانستان حاکم بوده نمی‌توانند. اکثریت نخبگان، مفکرین، سیاسیون و متنفذین سیاسی افغانستان عزت و کامیابی را در نزدیکی با امریکا می‌بینند.

**هفتم:** - افغانستان پس از پروسه بُن فاقد عناصر واقعی یک دولت است. تفرقه‌سمتی، قومی، لسانی و مذهبی در آن زبانه می‌زند. دولت توجهی به امور اساسی مردم (امنیت، فراهم آوری خدمات صحتی و رفاهی و دسترسی به آب و برق وغیره) ندارد. بخشی از بودجه عادی و کُل بودجه انکشافی دولت توسط کمک‌های خارجی تمویل می‌گردد. حتی پول تجلیل از جشن "استقلال" از کمک‌های خارجی تمویل شده است. فساد و رشوت در اکثر نهادها رواج دارد. به طور کُلّی، نظام اقتصادی فقر و بیکاری را افزایش داده و تنها جیب یک طبقه خاص را پُر نموده است.

با این حساب تجلیل و ایجاد هیاهوی برای "استقلال" یک سخن مسخره و توهین به شعور مردم مسلمان و مجاهد افغانستان است. مردمی که در طول تاریخ انسان‌های باغیرت و با عزت از میان آنان برخاسته، علیه نفوذ نظامی، سیاسی و فکری بیگانگان ایستادگی کرده و روی آنان را خاک مالیده است.

### استقلال واقعی چیست و چگونه حاصل می‌شود؟

هرچند مفکوره استقلال و استقلال طلبی مفکوره‌ای است که پس از جنگ جهانی دوم برای ضربه زدن به نفوذ استعمار اروپایی در جهان از سوی امریکا فضا شد؛ لیکن اگر به صورت مختصر استقلال را «ردّ نفوذ نظامی و سیاسی و عدم مداخله سایر کشورها در امور داخلی یک سرزمین» تعریف نماییم، با این حال استقلال واقعی زمانی حاصل می‌شود که هر نوع دست اندازی و دخالت غرب در افغانستان قطع گردد. درخت تلخ پیمان‌های استراتژیک و امنیتی با امریکا از بنیاد برکنده شود. دروازه‌های سفارت‌خانه‌ها، قونسل‌گری‌ها و موسسات غربی مسدود گردد. به روی تمام برنامه‌های فکری، سیاسی، نظامی و کمک‌های غرب خط بطلان کشیده شود و نفوذ فکری، سیاسی، اقتصادی و استخباراتی آنان ریشه‌کن گردد. به هیچ عنوان اجازه دخالت در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نوعیت قوانین و نظام تعلیمی برای آنان داده نشود و تأثیرات فرهنگی غرب توأم با اسالیب آن از بین برده شود.

استقلال واقعی زمانی حاصل شدنی است که مردم مسلمان افغانستان به سرچشمه‌ی خود که امت بزرگ رسول الله صلی الله علیه وسلم است، برگردند و با سایر امت مسلمه وحدت فکری، سیاسی و جغرافیایی پیدا نمایند و براساس ارزش‌ها و مفاهیم اسلام رهبری سیاسی شوند. جهت رسیدن به این هدف، لازم است برای خلافتی مبارزه کنند که منحصراً یک دولت قوی و مقتدر از خون عزت و آبرو مسلمانان دفاع می‌کند. اسلام را در همه بخش‌های زندگی تطبیق نموده و مسلمانان را براساس عقیده‌شان به پیشرفت و ترقی نایل می‌سازد و سرزمین‌های اسلامی را عاری از فساد، فحشا، رشوت و اختلاس می‌گرداند. بدون تبعیض به اتباعش نگاه کرده و برای آنان خدمات رفاهی را فراهم می‌سازد.

فقط در این صورت است که مردم مسلمان و رنج‌دیده‌ی افغانستان از ثبات سیاسی، امنیت فیزیکی و روانی و پیشرفت اقتصادی برخوردار خواهند شد. این به لطف الله سبحانه و تعالی نزدیک است که در آن روز مردم استقلال خود را از غرب کافر استعمارگر و مزدورانش که به عنوان فرمان‌روایان و سیاست‌مداران بر ما منصوب شده‌اند بدست بگیرند. و مسلمانان ظهور نظم نوین جهانی را به رهبری خلافت راشد که از اندونزی تا مراکش امتداد می‌داشته باشد جشن گرفته و آن روز را با خوشی و شادمانی تجلیل کنند. این کار بر الله سبحانه و تعالی دشوار نیست.

وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ [روم: ۴-۵]

و در آن روز است که مؤمنان از نصرت و یاری خدا شاد می‌گردند

مصدق سهاک

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه افغانستان